معنای صحیح از جزم در نیت

ببینید اینکه ایشان فرمودند «لایقبل شیء من الفرائض الا بالیقین»، از کجا آمده است؟ آیا در روایتی هست یا نیست؟ متخذ از کجا است؟ مرحوم سید در مستمسک، نیت سوم الشک را چهار جور کرده‌اند. دو مورد آخری آنها یکی تردید در نیت بود، یکی تردید در منوی بود. تردید در نیت را نپذیرفتند، تردید در منوی را پذیرفتند. خیلی از علماء فرمودند این فرقی ندارد. من خیالم می‌رسد همه مواردی‌که اسم تردید روی آن می‌گذارند بالدّقه تردید نیست. عبادت با تردید واقعی در نیت، درست نیست. اما این مواردی‌که یک نحو تردیدنما هستند، به آن جزمی که در عبادت نیاز داریم اصلاً صدمه‌ای نمی‌زند. در همینی هم که ایشان می‌فرمایند «لایقبل الا بالیقین»، می‌گویید آلآن این تردید دارد و شاک است. خود شما بعد از آن روایت می‌آوردی که امام علیه‌السلام می‌فرمایند «فان کان ... فان کان...». چطور شد شما می‌فرمایید شاک قبول نیست اما همین روایت را در اینجا می‌آوردی.

شاگرد: چه نحو از جزم در عبادت لازم است؟

استاد: جزمی که در عبادت لازم است این است که در نیت مؤمن، تردیدی در اصل اتیان عمل نباشد. مثلاً می‌گویید اگر زید ساعت هشت صبح امروز از مسافرت آمد من روزه‌ام، اگر نیامد روزه نیستم. این تردید در نیت می‌شود. فرد قطعی تردید در نیت می‌شود که درست نیست. البته اینکه بگویید همین هم علی تقدیر قطعی است فعلاً باشد. فعلاً روشن‌ترین فرد است.

اما خالصه یک فردی باشد که برای او واضح باشد که من امروز روزه هستم، شک ندارم. فقط نمی‌دانم کدام روزه است. مثلاً من نذر کردم عید غدیر را روزه بگیرم و اول ماه هم اختلاف شده. آلآن نمی‌دانم امروز روز عید غدیری که نذر کرده‌ام هست یا نیست. احتیاطا روزه می‌گیرم و می‌گویم اگر ماه درست دیده شده، خب روزه من صحیح است. اگر درست دیده نشده فردا را هم می‌گیرم. او که در نیتش تردید ندارد. در منوی او تردید است. یعنی من صوم امروز را جزما نیت کرده‌ام، حال منوی من سوم غدیر است یا یک روز قبل از آن است. اینکه به جزم من در نیت صوم امروز صدمه نمی‌زند. می‌گویند نه چون واجب است باید قصد وجه بکنید و بگویید علی‌ّواجب. آیا این لازم است؟!

در بسیاری از مطالبی که در جلسات قبل گفته‌ام قصد وجه مطلوب شارع است، شکی ندارم. هر کسی به میدان قصد وجه برود دارد با یک بخش عظیم و رسائی از فقه درمی‌افتد. اما صحبت سر شرطیت قصد الوجه است. خیلی تفاوت است. شارع برای اینکه مکلفین قصد وجه بکنند دهها حکمت در نظر گرفته است؛ حتی اخطار به باب. می‌گویید نیت داعی است. اخطار به باب نیت نیست و شرط هم نیست. وقتی طواف که می‌خواهد محرم شود می‌گویید من محرم می‌شوم به احرام عمره حج تمتع واجب. اینها را می‌گویند یا نمی‌گویند؟! با بلندگو هم می‌گویند. این شرعیت دارد یا ندارد؟ چرا شرعیت ندارد؟ خب حالا نیت این است؟! نه. نیت داعی است. آن چه که شرط احرام است داعی بر عمل است. اما اخطار به باب و جری علی اللسان مستحب است. چرا مستحب است؟ هر کسی که دنبال آن راه بیافتد اندازه ذهن قاصر خودش -چه برسد به علم الله تعالی- دهها حکمت به ذهنش می‌آید که چرا اینها مستحب است. اینها غیر از این است که آنها را شرط کار کنیم. بگویید این شرط است. تعیینی وجه، جزم در فریضه، همه اینها خوب است، اما در صحت عمل هم شرط است؟ همه این روایات دارد می‌گوید که شرط نیست. «یوم وقت له»؛ به این وضوح می‌گوید که اینها

شرط نیست. خب پس «لاتؤدّی الا بالیقین» چه می‌شود؟ ما چهار مورد پیدا کردیم. قرار شد اگر شما بیشتر پیدا کردید به من هم بفرمایید. شما قاعده درء را فرمودید اما نشد که موارد بیشتر آن را ببینم.

چهار مورد از آن‌ها که در جلسه قبل برای شما گفتم این بود. یکی از آن‌ها وقت نماز بود. شروع بحث ما این بود: حاج آقا در آن متنی که نوشته بودند فرمودند: «حیث ان ما دل علی ان الاعتبار بالرؤیة من ادلة الاستصحاب». عرض کردم مرحوم شیخ فرمودند انصاف این است که اظهر روایات دال بر استصحاب، همین مکاتبه است. حال بعد مسیر بحث عوض شد و مرحوم آخوند ما را سراغ این روایات آوردند. کار خیلی خوبی هم بود.

الآن لسان «ان فرض الله لایؤدی الا بالیقین» در چهار مورد آمده است. رکعتین اولتین، وقت نماز، طواف واجب و همین صوم. این‌ها مواردی است که این لسان در آن‌ها آمده است. این‌که فرض الله است؛ فرض الله لاتؤدی الا بالیقین. چقدر تفاوت است بین این‌که «لاتقبل الا بالیقین» با این‌که «لاتؤدی الا بالیقین». حال روایت را نگاه کنید.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 12:03:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 12:04:17 توسط ... .